



Representation of the Officials' Social Status in Correspondences between The Safavid and The Mughal Courts at the Time of Shah Soleiman/Safi II (r. 1666-94)

Ali MashhadiRafie¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: Studying the relationship between the social status of the senders and recipients of correspondences between The Safavid and The Mughal at the time of Shah Suleiman (1666-1694 AH) and the content and superficial characteristics of letters.

Method and Research Design: Historical evidence in books, archival records and manuscript number 5032 of The Library, Museum, and Document Center of Iran Parliament were investigated using content analysis, and the relationship between the superficial characteristics of each letter and the social status of the senders and recipients was studied in a comparative way.

Findings and conclusions: According to the study, there are strong evidences that there is a direct relationship between textual and non-textual content of the letters and the social status of their senders and recipients. Thus, textual elements such as words and phrases, preambles, titles and non-textual elements such as size and quality of the papers, script-styles, embellishments and the form of packaging represented the social status of both sender and recipients, and their positions, age and gender.

Keywords: Epistolary Art, Shah Soleiman, Social Status, Court Correspondences, Dar al-Enshaa²

Citation: Mashhadi Rafi, A. (1401). Representation of the Officials' Social Status in Correspondences between The Safavid and The Mughal Courts at the Time of Shah Soleiman/Safi II (r. 1666-94). *Ganjine-ye Asnad*, 32(2), 6-37 | doi: 10.30484/ganj.2022.2931

1. PhD In Iranian Studies, Shahid Beheshti University and Iranology Foundation, Tehran, I. R. Iran
a_mashhadi@sbu.ac.ir
Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«126»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2931

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 2, Summer 2022 | pp: 6 - 37 (32) | Received: 1, Dec. 2020 | Accepted: 19, Jun. 2021

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

بازنمایی رتبه درباری رجال و صاحب‌منصبان در مکاتبات رجال درباری ایران و هند در دوره شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق)

علی مشهدی رفیع^۱

چکیده:

هدف: بررسی رابطه میان رتبه اجتماعی فرستندگان و گیرندگان مکاتبات رجال درباری ایران و هند هم‌عصر سلطنت شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) با محتوا و شکل ظاهری این دسته از اسناد.

روش/ رویکرد پژوهش: در این مقاله در گام نخست با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا (Content Analysis)، شواهد تاریخی موجود در کتب و سایر اسناد تاریخی و همچنین اطلاعات یادشده در دست‌نویس شماره ۵۰۳۲ مجلس شورای اسلامی ذیل توصیفات مرتبط با مکاتبات دیوانی دوره شاه سلیمان صفوی استخراج شد و در گام دوم رابطه میان متن و مشخصات ظاهری این مکاتبات با رتبه اجتماعی فرستندگان و گیرندگان در قالب مطالعه تطبیقی (Comparative Study) بررسی شد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: شواهدی قوی بر وجود رابطه مستقیم میان محتوای متنی و غیرمتنی مکاتبات رجال درباری ایران و هند در دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی و رتبه اجتماعی افراد دخیل در روند صدور این مکاتبات دیده می‌شود؛ بدین ترتیب که عناصر متنی مانند الگو و واژگان استفاده‌شده در متن مکاتبات و عناصر غیرمتنی مانند قطع‌نامه، نوع کاغذ، نوع خط، تزیینات و نوع بسته‌بندی بازنمایاننده رتبه اجتماعی افراد مرتبط با مکاتبات دیوانی اعم فرستنده و گیرنده یا مکتوب‌الیه است و با تحلیل و بررسی آن می‌توان علاوه بر قضاوت درباره رتبه اجتماعی، به برخی از مشخصات این افراد از قبیل منصب، سن و جنسیت پی برد.

کلیدواژه‌ها: نامه‌نگاری؛ شاه سلیمان صفوی؛ رتبه اجتماعی؛ دیوانیات؛ دارالانشاء.

استناد: مشهدی رفیع، علی. (۱۴۰۱). بازنمایی رتبه درباری رجال و صاحب‌منصبان در مکاتبات رجال درباری ایران و هند در دوره شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق). (گنجینه اسناد)، ۳۲(۲)، ۶-۳۷.

doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲.۲۹۳۱

۱. دکتری ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی
و بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران
a_mashhadi@sbu.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۲۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲.۲۹۳۱

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۱ | صص: ۶-۳۷ (۳۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۲

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

اصطلاحاتی مانند منزلت و پایگاه اجتماعی که در گفتار روزمره بارها استفاده می‌شوند و عموماً به ارجح‌دانستن فردی در نظام ارزش‌گذاری جامعه نسبت به سایر افراد اشاره دارند، در علوم اجتماعی در چارچوب مفهوم «رتبه اجتماعی»^۱ بازتعریف می‌شوند.

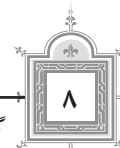
در اصطلاح ساختارگرایان پیرو رالف لیتتون، رتبه اجتماعی به موقعیت فرد در نظام رتبه‌بندی اجتماعی^۲ گفته می‌شود؛ مانند موقعیت شاه در مقابل رعیت، و یا موقعیت کارفرما در برابر کارگر و یا مادر در مقابل فرزند. این مفهوم در انسان‌شناسان پیرو ماکس وبر با سه عامل قدرت، دارایی و حیثیت سنجیده می‌شود (Barnard & Spencer, 1996, p623). درحقیقت وبر تلاش کرد تا با کمک این سه عامل الگویی را برای سنجش یا مقایسه رتبه اجتماعی افراد با یکدیگر به دست دهد (وبر، ۱۳۸۷، صص ۲۰۷-۲۲۴). بعدها عرضه این الگو توسط وبر به کاربرد این مفهوم در متون علوم اجتماعی بیشتر دقت بخشید؛ به طوری که از دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی به این سو، برخی مؤسسات افکارسنجی در ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای اروپایی بر مبنای الگوی وبر تحقیقات بسیاری را درباره نظام رتبه‌بندی اجتماعی در جوامع خود ارائه دادند (تامین، ۱۳۷۳، ص ۳۷).

بآنکه هنوز هم کاربرد اصطلاح «رتبه اجتماعی» ابهاماتی را با خود به همراه دارد، ولی استفاده از آن در متون علوم اجتماعی بسیار رایج است و به‌ویژه جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان علاقه‌مند به پژوهش در زمینه نظام قشربندی جوامع انسانی عموماً آن را به معنای جایگاه فرد در نظام رتبه‌بندی اجتماعی به کار می‌برند که مراد از این نظام نیز طیفی از نقش‌های اجتماعی است که براساس میزان اهمیتشان در نظام ارزش‌گذاری جامعه مرتب شده‌اند. در این طیف، از نظر افکار عمومی جامعه، رتبه‌ای اجتماعی نسبت به رتبه‌ای دیگر مهم‌تر یا مرجح‌تر دانسته می‌شود.

اسناد و مکاتبات به‌جای مانده از ادوار تاریخی از جمله پدیده‌های فرهنگی‌ای هستند که چون میان افرادی با رتبه‌های اجتماعی متفاوت تنظیم و ردوبدل شده‌اند، گاه به‌نحو مستقیم و گاه به‌صورت غیرمستقیم نشانه‌هایی از رتبه اجتماعی افراد را با خود به همراه دارند. این نوشته‌جات در تقسیم‌بندی چهارگانه مرحوم جهانگیر قائم‌مقامی از اسناد تاریخی (اوراق صریحه، اخوانیات، سلطانیات، دیوانیات)^۳، عموماً در دو دسته سلطانیات و دیوانیات جای می‌گیرند. اوراق صریحه که اساساً از نوع مراسلات نیستند و فاقد دو رکن «فرستنده» و «گیرنده» هستند و اخوانیات نیز چون به مکاتبات دوستانه محدود می‌شوند، به جهت ویژگی ذاتی دوستانه‌بودنشان بیشتر میان افرادی هم‌تراز و هم‌رتبه دیده می‌شود و بسیار محتمل است که به محملی برای بازنمایی رتبه اجتماعی تبدیل نشود.

1. Social Status
2. Social Order

۳. جهانگیر قائم‌مقامی دسته‌بندی چهارگانه‌ای را از اسناد تاریخی ارائه می‌دهد، شامل: اوراق صریحه (اسناد حقوقی و قضایی)؛ اخوانیات (مکاتبات دوستانه)؛ سلطانیات (مکاتبات پادشاهان و شاه‌زادگان)؛ و دیوانیات (مکاتبات مربوط به مسائل و امور دولتی و کشوری تهیه‌شده در دستگاه‌های اداری) (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، صص ۴۳-۴۱).



بنابراین برای بررسی بازنمودهای رتبه‌اجتماعی فرستندگان و گیرندگان در مکاتبات به‌جای‌مانده از دوره صفوی، به‌دلیل آنکه برطبق منابع تاریخی دوره صفوی، روند تنظیم و تشریفات اداری مرتبط با صدور و ارسال آن‌ها به‌طور نسبتاً متمرکز در تشکیلات دیوانی صفویان و در رأس آن در دیوان‌اعلی^۱ و احتمالاً مطابق نوعی عرف جاری در دیوان‌سالاری این دوره انجام می‌شد (فلور، ۱۳۸۷، صص ۶۳-۱۱۰)، می‌بایست بیش‌از هرچیز در میان سلطانیات و دیوانیات به‌جای‌مانده از این دوره به‌دنبال چنین نمودهایی بود. به‌عبارت بهتر باتوجه‌به آنکه در این دسته از نوشته‌جات معمولاً نشانه‌هایی از مشخصات افراد دیده می‌شود، می‌توان از آن‌ها به‌عنوان منبعی خوب برای تشخیص نظام رتبه‌بندی در دربار پادشاهان صفوی سود جست. از این‌رو آنچه اهمیت می‌یابد پاسخ‌گویی به دو پرسش زیر است:

۱. آیا میان محتوای مکاتبات دیوانی و رتبه‌اجتماعی فرستنده و گیرنده، رابطه‌ای وجود دارد؟
۲. در صورت وجود چنین رابطه‌ای، رتبه‌اجتماعی فرستنده و گیرنده با چه ویژگی‌هایی در متن و ظاهر اسناد (اندازه کاغذ، محل مهر، نوع تزیینات، جنس کاغذ، نحوه بسته‌بندی و شیوه ارسال مکتوب و ...) بازنمایانده می‌شود؟

در پاسخ به این دو پرسش، این نکته را نباید دور از ذهن داشت که نظام‌های رتبه‌بندی نیز مانند بسیاری از پدیده‌های فرهنگی، در طول زمان دستخوش تغییر و تحول می‌شوند؛ از این‌رو، برای پرهیز از هرگونه آشفتگی در تحلیل نمونه‌های موردبررسی و برای جلوگیری از دخیل شدن متغیرهای دیگری از قبیل تغییر نظام ارزشی جامعه و مواردی از این‌دست، بهتر است که بررسی‌های معطوف به رتبه‌بندی درباری، در بازه زمانی مشخص و کوتاهی انجام شود.

راجر مروین سیوری در بخشی از مقاله خود در جلد ششم کتاب «تاریخ ایران کمبریج» درباره نظام اداری سلسله صفوی، روند تحول نهادهای اداری صفوی را به سه دوره تقسیم می‌کند: (۱) دوره نخست یا متقدم: فاصله زمانی میان به‌تخت‌نشستن شاه‌اسماعیل اول تا آغاز پادشاهی شاه‌عباس اول (۹۰۷-۹۹۶ق) که دوره تغییر، تطبیق و تعدیل وظایف مقامات حکومتی است. (۲) دوره دوم یا میانه: دوره پادشاهی شاه‌عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق) که دوره سامان‌دهی کلی نظام اداری دولت صفوی بر پایه‌های نویناد به‌جای‌مانده از دوره پیشین است. (۳) دوره سوم یا متأخر: از پادشاهی شاه‌صفی تا حمله افغان‌ها (۱۰۳۸-۱۱۳۵ق) که سنت‌های درباری در آن تثبیت شد و شکلی یکنواخت به‌خود گرفت (Savory, 1986, pp 356-357).

باتوجه‌به تقسیم‌بندی یادشده می‌توان نتیجه گرفت که تغییر و تحولات نظام اداری صفویان

۱. دیوان‌اعلی در دوره صفوی از دو بخش دارالانشاء و دفترخانه همایون/اعلی تشکیل شده بود و عمده مکاتبات درباری به‌غیراز مواردی مانند صورت‌برداریهای امور مالی و مکاتبات مربوط به دیوان استیفاء، در این دو بخش از دیوان‌اعلی انجام می‌شد (فلور، ۱۳۸۷، ص ۶۳).

در دوره سوم بسیار کمتر از دو دوره پیشین بوده است و سنت‌ها، آداب و تشریفات اداری رایج در این دوره، میراث به‌جای مانده از دوره‌های پیشین است که رفته‌رفته تثبیت شده است. در پژوهش حاضر، با توجه به دوره نسبتاً طولانی حکومت خاندان صفوی بر ایران که بیش از دو سده به طول انجامید، متغیر زمان را به دوران سلطنت شاه سلیمان (شاه صفی دوم) به‌عنوان یکی از پادشاهان دوره سوم این دودمان و متغیر مکان را به حوزه جغرافیایی ایران و هند محدود کرده‌ایم تا دو پرسش اصلی یادشده را در دوره سلطنت او که پس از دوره پرافت‌وخیز سلطنت شاه‌عباس اول قرار داشت و آداب و تشریفات دستگاه اداری ایران تاحدزیادی تثبیت شدند، بررسی کنیم.

۲. نظام رتبه‌بندی درباری در عصر صفوی

در میان آثار به‌جای مانده از دوره صفوی که به نحوی مستقیم به ترسیم جایگاه و نظام رتبه‌بندی مناصب درباری پرداخته‌اند تاکنون سه رساله *تذکره الملوک*، *دستور الملوک* و رساله *القاب و مواجب میرزاعلی نقی نصیری*^۱ شناسایی شده‌اند. به نظر می‌رسد که هر سه این رسالات در اواخر دوره صفوی به نگارش درآمده‌اند و هدف از تألیف آن‌ها تهیه دستورنامه‌هایی برای تثبیت آداب درباری بوده که در اثر تلاطمات سیاسی از جمله حمله افغانه، نظم معمول خود را از دست داده بود و نیاز به وجود الگویی مرجع برای سامان‌دهی نقش‌های درباری و روابط میان آن‌ها احساس می‌شد.

به‌عنوان شاهدی بر فرضیه یادشده می‌توان به دیباچه کوتاه *تذکره الملوک* اثر میرزاسمیعا اشاره کرد که در آن به‌صراحت از ارائه «دستور العمل خدمت هریک از ارباب مناصب درگاه معلی، موافق از منته سلاطین صفویه» به‌عنوان دلیل نگارش این کتاب یاد می‌شود (میرزاسمیعا، ۱۳۷۸، ص ۱).

افزون‌براین، در متن دیگری بانام *دستور الملوک* که توسط میرزارفیعای جابری انصاری نوشته شده است و رساله دیگری درباره القاب و مواجب مناصب دوره صفوی از میرزاعلی نقی نصیری، اطلاعات نسبتاً مشابهی درباره مقامات درباری، محل نشستن هر صاحب‌منصب در مجلس بهشت‌آیین^۱ و حقوقی که هر ساله از خزانه حکومتی دریافت می‌کردند ارائه شده است (رحیم‌لو، ۱۳۶۳، صص ۱۰-۱۱).

باتوجه به قراین تاریخی و متنی و بنابه فرضیات موجود، این دو رساله، یا در اصفهان تحت سلطه اشرف افغان و به‌قصد آموزش چندوچون دربار صفویان به حاکمان افغان به‌نگارش درآمده‌اند و یا پس از انتقال پایتخت صفویان از اصفهان به قزوین و ادامه حکومت صفوی در این شهر تدوین شده‌اند. از طرفی با توجه به شباهت‌های متنی قابل توجه

۱. محفلی درباری که پادشاه صفوی خود شخصاً در آن حضور داشت و براساس آداب رایج در آن، دوری و نزدیکی محل نشستن منصب‌داران به محل جلوس پادشاه براساس رتبه اجتماعی آن مناصب و اهمیت آن مناصب تعیین می‌شد.



هر سه رساله با یکدیگر و برخی عباراتی که در هر سه متن به نحوی کمابیش یکسان تکرار شده‌اند، این فرضیه نیز بسیار محتمل است که تمامی این متون از متنی قدیمی‌تر و جامع‌تر درباره شرح وظایف اداری صاحب‌منصبان دربار صفوی الگوبرداری شده‌اند (فلور، ۱۳۸۴، ص ۷۶۶؛ رحیم‌لو، ۱۳۶۳، صص ۱۰-۱۱).

در هر سه این رسالات قشرهای مختلف درباریان دارای القاب یا امتیازاتی خاص هستند که وجود آنها نشانه نوعی مهتری یا کهنتری نسبت به سایرین است و تداعی‌کننده نوعی نظام قشربندی است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷ الف، صص ۴۸۸-۴۹۵؛ مشهدی‌رفیعی، ۱۳۹۹، صص ۴۹-۵۰؛ نک به نمودار ۱ و ۲).

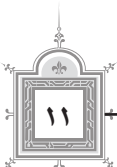
برای نمونه در باب دوم از تذکرةالملوک، میرزاسمیعا از چهارده منصب به عنوان «امرای عظام» نام می‌برد و به صراحت عنوان می‌کند که لفظ «عالی‌جاه» مختص آن‌هاست. این چهارده منصب عبارت‌اند از: وزیر اعظم؛ قورچی‌باشی؛ قوللر آقاسی؛ ایشیک آقاسی‌باشی؛ دیوان‌اعلی؛ تنگ‌چی آقاسی؛ ناظر بیوتات؛ دیوان‌بیگی؛ امیرشکارباشی؛ توپ‌چی‌باشی؛ امیر آخورباشی جلو؛ امیر آخورباشی صحرا؛ مجلس‌نویس؛ مستوفی‌الممالک؛ و خلیفه‌الخلفاء (میرزاسمیعا، ۱۳۷۸، ص الف).

از سایر متون و گزارش‌های منابع تاریخ‌نگاری عصر صفوی نیز چنین برمی‌آید که از نظر حیثیت و رتبه درباری بین امرایی که لقب عالی‌جاه داشتند و آن‌هایی که فاقد این لقب بودند تفاوتی آشکار وجود داشته‌است. برای نمونه بنابه گزارش سیدحسن استرآبادی در تاریخ سلطانی^۱ در مجلس بهشت‌آیین نوروز ۹۷۰ق ایت‌ئیل، شاه‌تهماسب صفوی، عیسی‌خان پسر لوندمیرزا را به لقب عالی‌جاه ملقب می‌گرداند و به این ترتیب او را مقدم بر سایر امرای قرار می‌دهد (استرآبادی، ۱۳۶۶، ص ۸۸).

پس از این لقب می‌توان از القاب «مقرب‌الخاقان» و «مقرب‌الحضرت» نام برد. چراکه در هر سه رساله پس از معرفی امرای عظام، به معرفی مناصبی پرداخته می‌شود که این لفظ به آنها اختصاص دارد و این خود نشان‌دهنده آن است که این مناصب در دربار صفوی کمتر از لقب عالی‌جاه اهمیت داشته‌اند.

با وجود این نمی‌توان به صراحت القاب درباریان را مبنای رتبه‌بندی آن‌ها در نظر گرفت؛ چراکه در این بین استثنائاتی نیز وجود دارد که نشان‌دهنده تغییراتی است که در اهمیت و اعتبار مناصب درباری در دوره‌های مختلف رخ داده‌است. برای نمونه اگر ترتیب فصل‌بندی این سه رساله را مبنای ارجحیت در رتبه‌بندی مناصب درباری دوره صفوی قرار دهیم، در میان امرای عظام به دو منصب «دیوان‌بیگی» و «مجلس‌نویس» برمی‌خوریم که دو لقب عالی‌جاه و مقرب‌الخاقان را توأمان یدک می‌کشند. چنین کاربری‌های توأمانی

۱. تاریخ سلطانی کتابی است در تاریخ عمومی که آن را سیدحسن بن مرتضی حسینی استرآبادی در سال ۱۱۱۵ق در اصفهان نوشته‌است و به مناسبت سال دهم جلوس شاه‌سلطان حسین صفوی به او تقدیم شده‌است. جلد سوم این کتاب در سال ۱۲۶۴ به صورت مجزا و به تصحیح دکتر احسان اشراقی با عنوان «تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه‌صفی» و توسط انتشارات علمی چاپ شد.



می‌تواند نتیجه ارتقای رتبه یک مقام از سطحی به سطح دیگر باشد؛ مانند آنچه درباره منصب مجلس‌نویس در منابع تاریخی آمده است که از عصر شاه‌عباس اول به این سو بر اهمیت آن افزوده شد و حتی از دوره شاه‌اسماعیل دوم به بعد این منصب بالاتر از دیگر منشیان قرار گرفت (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳، صص ۲۹-۳۰). بدین ترتیب مجلس‌نویس که پیش‌ازین از زمره مقامات مقرب‌الخاقان بود از اواسط دوره صفوی رفته‌رفته به جرگه مقامات عالی‌جاه وارد شد.

بر مبنای توصیفات ارائه‌شده در سه رساله تذکرةالملوک، دستورالملوک و رساله «القاب و مواجب میرزاعلی‌نقی نصیری» درباره مناصب درباری دوره صفوی و مرتب‌کردن آن‌ها بر روی طیفی مشترک، می‌توان الگویی از نظام رتبه‌بندی اجتماعی مناصب درباری در دوره صفویان متأخر به صورت جدول ۱ استخراج کرد.

تعداد مناصب			توضیحات	لقب
رساله «القاب و مواجب میرزاعلی‌نقی نصیری»	دستورالملوک	تذکرةالملوک		
۴ (منصب مذهبی) ۱۵ (امراء) دولت‌خانه) ۵ (امراء) غیردولت‌خانه)	۴ (منصب مذهبی) ۱۵ (امراء) دولت‌خانه) ۵ (امراء) غیردولت‌خانه)	۵ (منصب مذهبی) ۱۴ (امراء) دولت‌خانه) ۵ (امراء) غیردولت‌خانه)	عالی‌ترین مقامات درباری بالقب «عالی‌جاه» خطاب می‌شدند (میرزاسمیعا، ۱۳۷۸، ص الف). پژوهش‌های علمی و مطالعات فرسنگی رساله جامع علوم انسانی	عالی‌جاه
۱۵	۱۶	۹	این مقامات از زمره عالی‌ترین مقامات درباری نبودند؛ ولی به سبب نزدیک بودن به پادشاه صفوی بالقب «مقرب‌الخاقان» خوانده می‌شدند (میرزاسمیعا، ۱۳۷۸، ص ب).	مقرب‌الخاقان

جدول ۱

نظام رتبه‌بندی در دربار صفویان متأخر براساس القاب ذکر شده در سه رساله تذکرةالملوک، دستورالملوک و رساله «القاب و مواجب میرزاعلی‌نقی نصیری» (مشهدی رفیع، ۱۳۹۹، صص ۴۷-۴۸).



لقب	توضیحات	تعداد مناصب	
		تذکره الملوک	دستور الملوک
مقرب الحضرت	مأمورانی که وظیفه شان خارج از حرم و اقامتگاه های خصوصی شاه بود، از نظر نزدیکی به شاه و اعتماد الدوله پس از مقرب الخاقان ها قرار می گرفتند و با لقب «مقرب الحضرت» خطاب می شدند (میرزا سمیع، ۱۳۷۸، ص ب)؛ (سیوری، ۱۳۹۳، ص ۲۱۶).	۵	۱۹
عالی حضرت	مقاماتی که از مقربان پادشاه به شمار نمی رفتند، ولی به سبب اهمیت منصبشان در برخی از امور طرف مشورت پادشاه یا اعتماد الدوله قرار می گرفتند با لقب «عالی حضرت» خطاب می شدند (میرزا سمیع، ۱۳۷۸، ص ب).	۱۲	-
فاقد خطاب یا لقب	مقاماتی که اجازه داشتند در مجلس بهشت آیین، در حضور پادشاه در کنار سایر مقامات درباری اعلی مرتبه بنشینند (دانش پژوه ۱۳۴۷ الف، صص ۴۸۸-۴۹۵).	۳۶	۲۴
	مقاماتی که به صورت ایستاده در مجلس بهشت آیین حاضر می شدند (دانش پژوه، ۱۳۴۷ الف، صص ۴۸۸-۴۹۵).	نمعلوم	نمعلوم
سایرین که کارگزاران عادی دربار را تشکیل می دادند (دانش پژوه، ۱۳۴۷ الف، صص ۴۸۸-۴۹۵).	مقاماتی که هیچ یک از امتیازات پیش گفته را نداشتند و تنها به عنوان سرپرست، عده ای از خدمه زبردست را در انجام وظیفه های خاص هدایت و رهبری می کردند (دانش پژوه، ۱۳۴۷ الف، صص ۴۸۸-۴۹۵).	نمعلوم	نمعلوم
	سایرین که خدمه و کارگزاران عادی دربار را تشکیل می دادند (دانش پژوه، ۱۳۴۷ الف، صص ۴۸۸-۴۹۵).	نمعلوم	نمعلوم

ادامه جدول ۱

نظام رتبه بندی در دربار صفویان متأخر براساس القاب ذکر شده در سه رساله تذکره الملوک، دستور الملوک و رساله «القاب و مواجب میرزاعلی نقی نصیری» (مشهدی رفیع، ۱۳۹۹، صص ۴۷-۴۸).



علاوه بر این با توجه به کتب آموزشی دبیری و انشاء عصر صفوی از قبیل منشآت سلیمانی^۱، کفایت الانشاء^۲ و تعداد قابل توجهی دستور ترسل به جای مانده از این دوره، می توان برای افرادی در مناصب و قشرهای مختلف، مراتب اعلی، متوسط الحال و ادنی نیز در نظر گرفت. برای نمونه در کفایت الانشاء، قشر بندی تنها مختص به مناصب درباری از قبیل امراء نیست و برخی از اقشار جامعه عصر صفوی مانند علما، فقها و سادات نیز به دو دسته اعلی مرتبه و ادنی مرتبه تقسیم می شده اند (کفایت الانشاء، ۴ر- ۵پ).

با توجه به آنچه گفته شد، نه تنها می توان دلایل محکمی بر وجود نظام رتبه بندی اجتماعی در دربار صفوی بر شمرد، بلکه در کنار آن نیز می توان با توجه به شواهد موجود طرحی مقدماتی از ساختار و چند و چون این نظام رتبه بندی به دست داد که اگر چه خارج از چارچوب پژوهش حاضر است، ولی محمل خوبی برای بررسی دقیق و تفصیلی نشانه ها و نمودهای این نظام رتبه بندی درباری در بسیاری از پدیده های فرهنگی عصر صفوی، از جمله مکاتبات و مراسلات خواهد بود.

۱. نامه نگاری نوشته محمد رضا نصیری از دبیران دربار شاه سلیمان صفوی که تصحیحی از آن به کوشش رسول جعفریان در سال ۱۳۸۸ از سوی انتشارات کتاب خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منتشر شده است.
۲. کفایت الانشاء رساله ای هست در آداب نامه نگاری از مؤلفی ناشناس که تمام نسخه هایی که تا کنون از آن شناسایی شده است به دوره صفوی تعلق دارد (مشهدی رفیع، ۱۳۹۲، صص ۵۸-۵۹).



وزیر بیوتات
 وزیر سرکار فیض آثار
 وزیر سرکار انتقالی
 وزیر دارالسلطنه اصفهان
 مستوفی ارباب التحویل
 مستوفی سرکار فیض آثار
 مستوفی سرکار انتقالی
 مستوفی دارالسلطنه اصفهان
 مستوفی موقوفات ممالک محروسه
 کلانتر دارالسلطنه اصفهان
 صاحب توجیه دیوان اعلی
 محتسب الممالک



داروغه دفترخانه
 وزیر سرکار قورچیان
 وزیر سرکار غلامان
 وزیر سرکار تفنگچیان
 وزیر توپخانه مبارکه
 مستوفی سرکار قورچیان
 مستوفی سرکار غلامان
 مستوفی سرکار تفنگچیان
 مستوفی توپخانه مبارکه
 لشکر نویس دیوان اعلی
 سرخط نویس دیوان اعلی

ضابطه نویس

دوستانه
 دفتر دار دفترخانه همانون و مطالعات فرهنگی

عزب باشی

ضابط دوشلک وکیل

لواجه نویسان

القاب ذکر شده برای هر منصب

عالی جاه	■
مقرب الخاقان	■
مقرب الحضرت	■
عالی حضرت	■
لقبی به آنها نسبت داده نشده است	□

نمودار ۲

رتبه‌بندی ارباب مناصب دربار صفوی براساس سه رساله تذکرة الملوک، دستورالملوک و «رساله القاب و مواجب میرزا علی نقی نصیری» (بخش دوم)



۳. رابطه‌ی میان محتوای متنی مکاتبات دیوانی عصر صفوی و رتبه‌اجتماعی افراد

مکاتبات دیوانی به‌جامانده از عصر صفوی را از دو جنبه می‌توان بررسی کرد: محتوای متنی؛ محتوای غیرمتنی. محتوای متنی، عناصری مانند متن اصلی سند، سجع مهرها، عبارت طغرا، یادداشت‌ها و برافزوده‌ها را دربر می‌گیرد و شامل متنی نوشتاری است که در چارچوب نظام معنایی زبانی که به آن نوشته شده است قابل بررسی و تحلیل است. در کنار محتوای متنی عناصر دیگری را نیز می‌توان بررسی کرد که به شکل ظاهری مکاتبات و ویژگی‌های مادی آن‌ها مربوط می‌شود. این دسته را در پژوهش حاضر با عنوان «محتوای غیرمتنی» می‌خوانیم که شامل قطع و اندازه کاغذ، آرایه‌ها و نقش‌مایه‌های آن، نوع کاغذ و سایر ویژگی‌های فن‌شناختی مکاتبات دیوانی می‌شود. درحقیقت رابطه‌ی میان رتبه‌اجتماعی افراد و محتوای مکاتبات دیوانی‌شان را، هم در وجوه متنی و هم در وجوه غیرمتنی مکاتبات دیوانی می‌توان بررسی کرد.

۳.۱. رتبه‌اجتماعی افراد و محتوای متنی نوشته‌جات دیوانی

باتوجه به شواهد متعدد و صریحی که در متون مربوط به فن دبیری عصر صفوی وجود دارد اثبات رابطه‌ی رتبه‌اجتماعی افراد و محتوای متنی نوشته‌جات دیوانی بسیار ساده می‌نماید؛ زیرا رعایت رتبه و شأن افراد، یکی از بدیهی‌ترین آداب نامه‌نگاری دیوانی است که در ادوار گذشته نیز مسبوق به سابقه بوده است و رسالات متعددی مانند دستور دبیری (الرسائل بالفارسیه) (اثر محمدبن عبدالخالق میهنی)، مصباح‌الرسائل و مفتاح‌الفضائل (اثر موفق‌بن محمد مجدی)، رسوم‌الرسائل و نجوم‌الفضائل (اثر حسن‌بن عبدالؤمن خوبی) و دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب (اثر محمدبن هندوشاه نخجوانی) درباره‌ی آن نگاشته شده‌اند. افزون‌براین، بیش از ۱۶ دستور نامه‌نگاری از عصر صفوی به‌جا مانده است که به‌صراحت فصل‌هایی را درباره‌ی «القاب و اسامی افراد» و «الگوهای ذکر خطاب و دعای متناسب با هر فرد» شامل می‌شود (مشهدی رفیع، ۱۳۹۲، ص ۵۱).

یکی از بهترین شواهد موجود درباره‌ی وجود رابطه میان محتوای متنی مکاتبات دیوانی عصر شاه‌سلیمان و رتبه‌اجتماعی افراد رساله‌ای است در فن دبیری بانام منشآت سلیمانی که در زمان همین پادشاه صفوی نوشته شده است و قواعد نامه‌نگاری و بسیاری از نکات ریز و درشت دارالانشاء صفوی در این دوره را آشکار می‌کند.

پنج باب اول این رساله به صاحب‌منصبان اختصاص دارد؛ باب ششم به «اوساط الناس» و باب هفتم به «سایر الناس» (نصیری، ۱۳۸۸، صص ۱۸-۱۹). باتوجه به این رساله

به سادگی می توان دریافت که هر شخص با توجه به رتبه و اهمیت منصب و همین طور رابطه خویشاوندی اش با پادشاه به صورت ویژه ای خطاب قرار می گرفته است. برای نمونه، خطاب، القاب و دعایی^۱ که در نوشته جات دیوانی برای وزیر اعظم - که در دوره صفوی اختصاصاً با لقب اعتمادالدوله خوانده می شد - می بایست به کار می رفت در این رساله این طور نقل شده است:

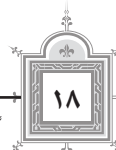
«[... شرایف دعوات وافیات^۲ محبت فزون و لطایف^۳ تسلیمات^۴ زاکیات^۵ مودت مقرون که از شمایم^۶ نسایم^۷ آن دماغ روحانیان معطر و از بوارق^۸ لوامع^۹ آن صوامع^{۱۰} ملکوتیان منور گردد، با قوافل^{۱۱} اخلاص و نیازمندی و رواحل^{۱۲} شوق و آرزومندی، تحفه مجلس عالی و هدیه محفل متعالی نواب مستطاب^{۱۳} معلی القاب [=خطاب]، عالمیان مآب، وزارت و شوکت و اقبال پناه، حشمت و عظمت و اجلال دستگاه، ابهت و جلالت انتباه، عالی جاه مخلصان ملاذ^{۱۴} خلایق معاذ^{۱۵}، آصف^{۱۶} سلیمان مرتبت ممالک مدار، ناظم مهام صغار و کبار، اعتضاد السلطنه البهیة السلطانیة، اعتماد الدوله العلیة العالیة الخاقانیة، نظاماً لوزاره و الشوکه و العظمة و الجلاله و الراهه و العطفه و العز و الاقبال [=القاب]، فلان ادام الله تعالی زمان دولته و ضاعف اقباله [=دعا] [...]» (نصیری، ۱۳۸۸، ص ۴۴).

از سوی دیگر در این رساله در باب دوازدهم به صراحت به تناسب متن مکاتبه با رابطه گیرنده و فرستنده (مکتوب الیه و مرسل الیه) اشاره می شود و قواعدی ارائه می شود که براساس آن، منشی می باید این نکته را که مرتبه مکتوب الیه بالاتر، پایین تر و یا برابر با مرسل الیه است در متن نامه بنمایاند. برای نمونه در مواردی که مرسل الیه (فرستنده) در مرتبه ای نازل تر از مکتوب الیه (گیرنده) بود، قاعده اصلی نگارش متن نامه بدین صورت بود:

«[...] اگر مرسل الیه را پایه نازل تر باشد، عرض را نسبت به او داده، به تلمیح^{۱۶} و تقبیل^{۱۷} تراب^{۱۸} و حضرت و آنچه فی الجمله قرب و شهود است مقرون کند [...]» (نصیری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵).

به علاوه با تحلیل رکن مطلع مکاتبات دیوانی نیز متوجه می شویم که به ویژگی هایی مانند جنسیت، رابطه خویشاوندی با پادشاه، حضور داشتن یا حضور نداشتن در مجلس بهشت آیین و حتی گروه های شغلی نیز اشاره می شود. برای نمونه، دسته ای از پرکاربردترین صفت های ذکر شده در رکن مطلع نوشته جات دیوانی عصر صفوی برای گروه های شغلی در جدول ۲ آمده است.

۱. ترکیب متن اسناد معمولاً از سه رکن اصلی «مطلع» (مقدمه)، «احوال» یا «کلام» (شرح موضوع) و «خاتمه» تشکیل می شود. رکن مطلع بخشی از متن بود که می بایست تا حد امکان زیباتر و جالب تر ترتیب داده می شد و به همین سبب در آداب دبیری و ترسل، به آن بیشتر توجه می کردند و منشیان و دبیران در انشاء و تنظیم آن قدرت و تسلط ادبی خود را نشان می دادند. این مقدمه ها متناسب با قدر و منزلت گیرنده و فرستنده، مفصل و یا کوتاه نوشته می شد. اجزاء رکن مطلع عبارت بود از خطاب، القاب و دعا که برای هر شخص به صورتی متناسب با او تنظیم می شد (قائم مقامی، ۱۳۵۰، صص ۱۵۳-۱۵۵).
۲. وافیات: در این جا معنی شایسته می دهد.
۳. لطایف: لطیف ترین
۴. تسلیمات: تحیات و تکریمات و احترامات؛ جمع تسلیم: درود و سلام
۵. زاکیات: جمع زاکیه: پاکیزه و نیکو
۶. شمائم: جمع شمیمه: بوی خوش
۷. نسایم: جمع نسیم: باد نرم
۸. بوارق: جمع بارقه: روشنائی
۹. لوامع: جمع لامع و لامعه: درخشنده، تابان
۱۰. صوامع: جمع صومعه
۱۱. قوافل: جمع قافله
۱۲. رواحل: جمع راحله: مرکب
۱۳. ملاذ: پناهگاه، مأوا، ملجأ
۱۴. معاذ: پناهگاه
۱۵. آصف: لقب وزیر دانا و باتدبیر
۱۶. تلمیح: بوسیدن
۱۷. تقبیل: بوسیدن
۱۸. تراب: خاک



قشر یا منصب	صفت
سلطان، پادشاه	حضرت اعلی، حضرت خاقانی
اولاد ملوک	شاهزاده جهان‌پناه، شاهزاده کیوان‌رفعت، شاهزاده جم‌شوکت
خواتین ملوک	حضرت علیا، ملکه سلطنت‌پناه، ملکه عفت‌پناه
امرا	امارت‌پناه، امارت‌دستگاه، امارت‌مآب
صدور	صدارت‌پناه، صدارت‌دستگاه
وزرا	وزارت‌پناه، وزارت‌دستگاه
سادات	سیادت‌دستگاه، نقابت‌دستگاه، نجابت‌دستگاه، سیادت‌مآب
مشایخ	حقایق‌پناه، هدایت‌دستگاه، ارشاد‌مآب
علما	افادت‌پناه، فضایل‌دستگاه، افاضل‌مآب
قضات	اقضی‌القضات ^۱ ، شریعت‌دستگاه، شریعت‌مآب
حکما	حکمت‌پناه، حکمت‌دیوار، حکمت‌شعار
منجمین	افضل‌المنجمین، زبده‌المنجمین، قدوة‌المنجمین
شعرا	فصاحت‌دیوار، فصاحت‌شعار

۱. اقصی: نعت تفضیلی از قضا. اقصی‌القضات: قاضی‌تر از قاضیان؛ یعنی آن قاضی که در مرتبه قضا بالاتر از قاضیان باشد. این مقام مقامی پست‌تر از مقام قاضی‌القضاة بوده‌است.

جدول ۲

گروه‌های شغلی و صفت‌های
منداولشان در رکن مطلع
نوشته‌جات دیوانی (مشهدی‌رفیع،
۱۳۹۲، ص ۱۰۲).

باتوجه به چنین مواردی آشکار می‌شود که محتوای متنی مکاتبه‌دیوانی با رتبه اجتماعی افراد مرتبط با آن رابطه‌ای مستقیم دارد و می‌توان اصلی‌ترین نمود آن را در شیوه خطاب‌قراردادن هر شخص دانست. این شیوه شامل سه عنصر خطاب، القاب و دعا بوده‌است که در منشآت سلیمانی به تفصیل به آن پرداخته شده‌است.

۳.۲. رتبه اجتماعی افراد و محتوای غیرمتنی نوشته‌جات دیوانی

بررسی نحوه‌بازنمایی رتبه اجتماعی افراد در محتوای غیرمتنی اسناد، کمی دشوارتر از انجام چنین کاری درباره محتوای متنی است؛ زیرا عناصر تشکیل‌دهنده محتوای غیرمتنی، در شکل و ظاهر مکاتبات دیوانی بروز پیدا می‌کنند و عموماً صراحت عناصر نوشتاری را ندارند؛ از این رو به نظر می‌رسد که اشاره به شواهد موجود در منابع تاریخی که به صراحت به وجود چنین رابطه‌ای می‌پردازند، راه بهتری برای اثبات این موضوع باشد.

از جمله منابعی که به صراحت به تنظیم شکل و ظاهر هر نامه براساس رتبه اجتماعی افراد اشاره می‌کند، دستورالملوک میرزارفیع است. نویسنده در بخشی از این کتاب به صورت زیر به توصیف روند صدور مکاتبات دیوانی می‌پردازد:



«...» و معمول چنین بود که کاغذ هر نامه را از کتابخانه می دادند؛ و مذهببان، هریک را فراخور حال و رتبه و عظمت شأن آن پادشاه، موافق قاعده و ضابطه‌ای که منشی‌الممالک آن سررشته آن را داشتند و خاطر نشان می کردند، جدول کشیده، تذهیب و تزیین [می کردند] و متن نامه را افشان‌طلا می نمودند، آنگاه [نامه] نویس شروع به نوشتن او می کرد [...]» (دانش پژوه، ۱۳۴۷، ص ۳۱۵).

از سوی دیگر در منشآت سلیمانی نیز گزارش‌هایی درباره نحوه تنظیم شکل ظاهری نامه دیوانی براساس شأن و مرتبه مرسل‌الیه و مکتوب‌الیه دیده می شود. برای نمونه در این رساله درباره محل ذکر نام فرستنده و نقش مهر او چنین آمده است:

«...» و هر چند مرتبه مرسل‌الیه کمتر می شود، اسمش پایین تر می آید و به جانب یسار میل می کند تا در کرسی سایر حروف سطر آمده مانند سایر کلمات آن سطر نوشته می شود؛ و مهر مُرسَل^۱ در ضمن بالاتر می رود تا چهار انگشت^۲؛ پس اسم و مهر در متن کتابت ثبت می شود و به تاریخ مُختتم می گردد [...]» (نصیری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶).

و یا در جایی دیگر درباره اینکه آیا فرستنده می تواند نامه را به خط خود بنویسد یا نه چنین آمده است:

«...» پس اگر از جمله اکابر باشد، متن کتابت را به خط خود ننویسد و در ضمن نیز اسم ننویسد، بلکه مهر به جهت اعتبار و اعتماد در ضمن کند، آنجا که آخر سطور است، چنانچه [چنان که] نصف مهر مُتَبَّت گردد؛ و اگر از جمله اصاغر باشد به خط خود تواند نوشت و در ضمن نیز اسم به خط تواند نوشت و مهر نیز تواند کرد [...]» (نصیری، ۱۳۸۸، صص ۱۲۵-۱۲۶).

اگرچه با دردست داشتن گزارش‌های یادشده و شواهد دیگری از این دست می توان وجود ارتباط میان شکل ظاهری مکاتبات تاریخی و رتبه اجتماعی را نشان داد، ولی اطلاعات مستخرج از چنین گزارش‌هایی به قدری اندک است که برای توصیف چند و چون این رابطه کافی به نظر نمی رسد. از این رو برای بررسی رابطه میان محتوای غیرمتنی و رتبه اجتماعی افراد، در کنار گزارش‌های منابع تاریخی به بررسی و تحلیل صورت مادی اسناد دیوانی نیز می بایست پرداخت.

۱. مُرسَل: ارسال کننده
۲. محل مهر مرسل احتمالاً «چهار انگشت بالاتر از سطر نخست نامه» است (نگارنده).





تصویر ۱

صفحه‌ای از بیاض ۵۰۳۲ کتاب‌خانه
مجلس شورای اسلامی



از طرفی انجام چنین کاری مستلزم آن است تا با تعداد قابل قبولی از اسناد دیوانی به جای مانده از دوره یادشده روبه‌رو باشیم و از سوی دیگر اسناد به جای مانده نیز تا حد امکان اصالت خود را حفظ کرده باشند و تغییراتی در قطع و اندازه و شکل ظاهری آن‌ها اعمال نشده باشد؛ و این در حالی است که بیشتر نمونه‌های موجود در آرشیوهای اسناد یا از دسترس پژوهش‌گران علاقه‌مند به انجام بررسی فیزیکی خارج‌اند و یا خدمات‌رسانی درباره آن‌ها بیشتر به صورت دیجیتال انجام می‌شود و یافتن مجموعه پرتعدادی از این اسناد برای بررسی فیزیکی و استخراج ویژگی‌های ظاهری این مکاتبات، اگر نه ناممکن ولی بسیار دشوار است

از جمله نمونه‌های نادر منابع مربوط به دبیری و انشاء در عصر صفوی، دست‌نویسی در قالب بیاض به شماره‌بازیابی ۵۰۳۲ در مجموعه نسخ خطی کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی است که از یادداشت‌های کسانی تشکیل شده است که احتمالاً به عنوان منشی در دارالانشاء دربار صفوی به کار مشغول بوده‌اند (حائری، ۱۳۴۶، صص ۵۹۵۲-۵۹۵۳)؛ (نک به تصویر ۱). بخش قابل توجهی از این بیاض توصیفات عمدتاً مجمل از مشخصات ظاهری ۱۶۳ مکاتبه دیوانی متعلق به فاصله سال‌های ۹۹۷ تا ۱۱۳۰ ق است که اطلاعات قابل توجهی از نوع کاغذ، طرز آرایش، اسلوب کتابت، جای مهر، شیوه تا کردن و محفظه‌ای را دربر می‌گیرد که نامه را هنگام فرستادن در آن می‌گذاشتند (افشار، ۱۳۸۷، صص ۲۳).

این بیاض ظاهراً نمونه‌ای از دفترچه‌های یادداشتی است که منشیان عصر صفوی با خود به همراه داشتند تا مشخصات مکاتباتی را که در دارالانشاء صادر می‌شد در آن صورت‌برداری کنند. نمونه دیگری از این نوع دفاتر، به صورت نسخه عکسی از نسخه‌ای در کتاب‌خانه ملی شهر ناپل ایتالیا به شماره Ma.III.F.30 در کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد که ۱۷۰ نامه متعلق به سال‌های ۱۰۱۸ تا ۱۰۳۳ ق در آن صورت‌برداری شده است (ستوده، ۱۳۸۱، پاییز، صص ۵۶۱). البته توصیفات مربوط به شکل ظاهری مکاتبات دیوانی در نمونه کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی به مراتب مفصل‌تر از نمونه کتاب‌خانه ملی ناپل است؛ به عبارت دیگر دقت گزارش‌های بیاض ۵۰۳۲ مجلس به حدی است که می‌توان در بررسی شکل ظاهری اسناد از گزارش‌های آن به عنوان مابازاء اصل مکاتبات دیوانی سود جست.

از آنجاکه مکتوبات ذکرشده در بیاض ۵۰۳۲ مجلس به مقامات کشورهای مختلفی صادر شده‌اند و نمی‌توان همه مقامات مذکور در این مکاتبات را در یک نظام رتبه‌بندی در کنار یکدیگر قرار داد، برای اطمینان از درستی مقایسه میان رتبه اجتماعی این افراد، در پژوهش حاضر تنها به بررسی مشخصات آن دسته از نامه‌های ذکرشده در این بیاض



می‌پردازیم که در طول حکومت شاه سلیمان صفوی به دربار گورکانیان هند ارسال شده‌اند؛ چراکه مشخصات ظاهری این مکاتبات با دقت و جزئیات بیشتری توصیف شده‌اند و می‌توان این نامه‌ها را از جهت مؤلفه‌هایی مانند قطع نامه، نوع کاغذ، نوع خط، تزیینات و نوع بسته‌بندی (لغافه و کیسه) با یکدیگر مقایسه کرد. برای سهولت در ارجاع و طبقه‌بندی بهتر اطلاعات موجود در بیاض مذکور، به هریک از مکتوبات دیوانی بررسی شده یک شناسه اختصاص یافته‌است که در جدول ۳ به‌همراه فرستنده، گیرنده و تاریخ نامه آمده‌است.

شناسه نامه	فرستنده	گیرنده	تاریخ
۱	نمعلوم	سلطان محمد معظم	جمادی الاول ۱۰۸۹
۲	احتمالاً شاه سلیمان صفوی	سلطان محمد معظم	-
۳	نمعلوم	سلطان محمد معظم	غره صفر ۱۰۹۷
۴	وزیر اعظم (شیخ علی خان زنگنه)	محمد حسن خان، طبیب سلطان محمد معظم	صفر ۱۰۹۷
۵	ناظر بیوتات	محمد حسن خان، طبیب سلطان محمد معظم	صفر ۱۰۹۷
۶	نمعلوم	فیاض خان ناظر سلطان محمد اکبر	رجب ۱۰۹۸
۷	احتمالاً وزیر اعظم (شیخ علی خان زنگنه)	احتمالاً یکی از شاهزادگان گورکانی	محرم ۱۰۹۷
۸	وزیر اعظم (شیخ علی خان زنگنه)	سلطان محمد اکبر	شوال ۱۰۹۸
۹	نمعلوم	سلطان محمد اکبر	شوال ۱۰۹۸
۱۰	نمعلوم	محمد خان وزیر سلطان محمد اکبر	-
۱۱	نمعلوم	یکی از شاهزادگان گورکانی	ذی قعدة ۱۰۹۸

۱. شاهزاده گورکانی و پسر اورنگ‌زیب از همسر هندی‌اش رحمت‌النساء که پس از اورنگ‌زیب با عنوان بهادرشاه تاج‌گذاری کرد. ۲. شاهزاده گورکانی و پسر اورنگ‌زیب از همسر ایرانی‌اش دل‌رَس پانو (دل‌رس): مایه آرامش و رسیدگی به دل که خود از شاهزادگان صفوی بود. سلطان محمد اکبر بر پدر خود شورید و پس از شکست به ایران فرار کرد و به دربار صفویان پناهنده شد. در کتاب تاریخ کشیک‌خانه همایون نوشته نجیب کاشانی به وقایع اقامت او در اصفهان اشاره شده‌است (نجیب کاشانی، ۱۳۹۴، صص نوزده-بیست و یک).

جدول ۳

مکتوبات دیوانی از دارالانشاء دربار شاه سلیمان صفوی به گورکانیان هند ثبت شده در بیاض ۵۰۲۳ مجلس



۳.۲.۱. قطع نامه

اندازه طول و عرض نامه‌های صورت برداری شده در بیاض یادشده، همگی با واحدهای ذرع مُقَصَّر^۱، ذرع شاهی، گره^۲، شِیر^۳، اِصْبَعُ مُنْفَرَج^۴ و اِصْبَعُ مُنْضَم^۵ گزارش شده‌اند که همگی از اوزان و مقیاس‌های سنتی به‌شمار می‌روند که در حال حاضر دیگر رواج ندارند. از این رو بایستی در گام اول این واحدها را براساس گزارش‌های ذکر شده در منابع تاریخی و دایرةالمعارفی به واحدهای امروزی تبدیل کرد (نک جدول ۴) و سپس به مقایسه اندازه نامه‌ها با یکدیگر پرداخت (نک جدول ۵).

نام واحد	معادل به سانتی‌متر	منبع
ذرع مُقَصَّر	۱۰۴ سانتی‌متر	(ستوده و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱۵)
ذرع شاهی	۱۱۲ سانتی‌متر	(ستوده و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱۵)
گره	۶٫۵ سانتی‌متر	(هینس، ۱۳۲۸، ص ۱۰۰)
شیر	احتمالاً ۱۵٫۴۵ سانتی‌متر	(هاکس، ۱۳۹۴، ص ۹۰۴)
اِصْبَعُ مُنْفَرَج	۲٫۰۷۸ سانتی‌متر	(هینس، ۱۳۲۸، صص ۸۷-۸۸)
اِصْبَعُ مُنْضَم	احتمالاً ۱٫۳۴ سانتی‌متر	(هینس، ۱۳۲۸، صص ۸۷-۸۸)

جدول ۴

تبدیل واحدهای سنتی طول به واحد طول در سیستم SI

اگرچه از اطلاعات ذکر شده در بیاض یادشده تنها می‌توان اندازه شش نامه را استخراج کرد، ولی داده‌های جدول ۵ به وضوح نشان می‌دهند که نامه فرستاده شده از طرف پادشاه (نامه شماره ۲) بسیار بزرگ‌تر از ۵ نامه دیگری است که از جانب صاحب‌منصبی «عالی‌جاه» - احتمالاً اعتمادالدوله وزیر اعظم - صادر شده است؛ چراکه طول نامه پادشاه به بیش از ۴ متر می‌رسد و در عرض نیز تقریباً دو یا سه برابر ۵ نامه دیگر است. پس می‌توان یکی از نمودهای رتبه اجتماعی فرستنده را اندازه کاغذ نامه دانست. هرچقدر رتبه اجتماعی فرستنده بالاتر بوده، اندازه کاغذ نیز بزرگ‌تر بوده است.

۱. ذرع مُقَصَّر: ۱۰۴ سانتی‌متر؛ ذرعی که در اندازه آن کوتاهی شده است و از ذرع شاهی کوتاه‌تر است. ذرع شاهی ۱۱۲ سانتی‌متر است.
۲. گره: مقیاس طول؛ یک‌شانزدهم ذرع؛ در ذرع شاهی ۷ سانتی‌متر و در ذرع مقصر ۶٫۵ سانتی‌متر می‌شود.
۳. شِیر: وجب؛ از سرانگشت ابهام تا انگشت کوچک.
۴. اِصْبَعُ مُنْفَرَج: انگشت.
۵. مُنْفَرَج: باز.
۶. مُنْضَم [monzam]؛ پیوسته.

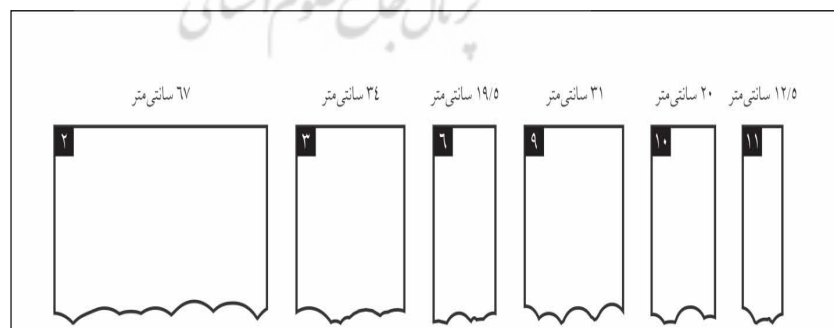


شناسه نامه	اندازه تقریبی
۲	۶۷ × ۴۳۶ سانتی متر
۳	۲۴ × ۸۲ سانتی متر
۶	(طول نامعلوم) ۱۹,۵ × سانتی متر
۹	۲۱ × ۷۹ سانتی متر
۱۰	(طول نامعلوم) ۲۰ × سانتی متر
۱۱	۱۲,۵ × ۲۰ سانتی متر

جدول ۵

قطع / اندازه نامه‌ها

ولی در میان ۵ نامه دیگر نیز به نظر می‌رسد با توجه به پهنای کاغذ قاعده‌ای در اندازه کاغذها وجود دارد (نک به تصویر ۲). مکتوبات شماره ۳ و ۹ که تاحدودی هم اندازه‌اند، از جانب مقامی عالی‌جاه در دربار صفوی به شاهزاده‌ای گورکانی نوشته شده‌اند و از نظر اندازه پس از نامه شماره ۲ قرار می‌گیرند. پس از آن‌ها مکتوبات شماره ۶ و ۱۰ قرار می‌گیرند که از جانب مقامی عالی‌جاه در دربار صفوی به کارگزاران این دو شاهزاده نوشته شده‌است و در آخر نیز رقع‌های کوچک قرار دارد که به علت مشخص نبودن گیرنده و فرستنده نمی‌توان درباره آن قضاوتی کرد. این ترتیب باز هم نشان‌دهنده آن است که هرچه گیرنده نامه رتبه اجتماعی پایین‌تری داشته، احتمالاً نامه در اندازه کوچک‌تری صادر می‌شده‌است.



تصویر ۲

بررسی تطبیقی شمای کلی مکاتبات
با توجه به عرض کاغذ نامه‌ها



۳.۲.۲. نوع کاغذ

کاغذ یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات مطالعات نسخه‌شناسی و سندشناسی است و هنوز هم بعد از نزدیک به بیش از نیم قرن فهرست‌نگاری مدرن اسناد و نسخ خطی فارسی، معیاری دقیق و مشخص برای شناسایی نوع کاغذ وجود ندارد. البته با توجه به گزارش‌های تاریخی موجود در منابع تاریخی می‌توان درباره کیفیت، محل ساخت و موارد کاربرد برخی از نمونه‌های کاغذ قضاوت‌هایی قابل‌اعتنا کرد.

همان‌طور که در جدول ۶ نیز آمده است، در بیاض ۵۰۳۲ مجلس به‌صراحت از کاغذهای ایلگیری، ختایی و خان‌بالغی به‌عنوان کاغذ استفاده شده در چهار نمونه از ۱۱ نمونه مکاتبه بررسی شده نام برده شده است.

در بین این چهار نمونه، کاغذ ایلگیری بحث‌برانگیزترین نوع کاغذ است. این نوع از کاغذ در عصر صفوی رواج داشت و ضبط دقیق نام آن مشخص نیست. این کاغذ که اطلاعات دقیقی از جنس و کیفیت آن در دست نیست با نام‌های اکلای سر، اکلای سی، ایلیری/ایلگیری/ایلیری/ایلیری، اکلگیری و اکلیری^۱ نیز خوانده شده است (افشار، ۱۳۹۰، صص ۱۱۸-۱۱۹).

کاغذ ختایی / خطایی که در مشخصات نامه شماره ۳ از آن یاد شده است منسوب به «ختا» یا «خطا» (= چین خارجی) است که در برخی منابع تاریخی از قبیل «خطای‌نامه» (سفرنامه‌ای از علی‌اکبر خطایی در سفر به چین در دوره شاه اسماعیل اول صفوی) و «دُرّه نادره» (اثر میرزاهدی خان استرآبادی) به مرغوب بودن و مطلوب بودن آن اشاره شده است (افشار، ۱۳۹۰، صص ۹۹-۱۰۰).

و بالاخره کاغذ خان‌بالغ / خان‌بالغی / خان‌بالغی / خان‌بالق، نوعی کاغذ چینی است منسوب به شهر خان‌بالغ که نام مغولی شهر پکن است. طبق فهرست گنجینه موجود در بقعه صفی‌الدین اردبیلی، کاغذ بعضی از نسخه‌های این مجموعه از جنس خان‌بالغ است و همان‌طور که در اینجا ذکر شده است، در بیاض ۵۰۳۲ مجلس نیز چندین بار از دو نوع ساده و ضخیم کاغذ خان‌بالغ یاد شده است؛ ولی در منابع موجود به کیفیت آن دقیقاً اشاره نشده است (افشار، ۱۳۹۰، صص ۹۸-۹۹).

کاغذ	شناسه نامه
ایلگیری	۱
ختایی	۳
خان‌بالغی ضخیم	۹
خان‌بالغی ساده	۱۱

۱. در تصحیح میرودود سیدیونسی از طومار بقعه شیخ‌صفی، این نوع از کاغذ علاوه بر نام «اکلیسری» با نام «اکلیری» نیز خوانده شده است (مستوفی، ۱۳۴۸، صص ۸۷-۹۲).

جدول ۶

نوع کاغذ نامه‌ها



اگرچه درباره کیفیت کاغذ اپلیسری اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی از آنجاکه در گزارش‌های یادشده به مرغوب بودن کاغذ ختایی اشاره شده است و نمونه شماره ۳ نامه‌ای است خطاب به شاهزاده‌ای گورکانی که از نظر اعتبار به حدی بوده که بعدها به سلطنت نیز رسیده است، می‌توان این‌گونه فرض کرد که هرچه رتبه اجتماعی فرد بالاتر بوده است، از کاغذ مرغوب‌تری برای کتابت نامه خطاب به او استفاده می‌شده است. به‌ویژه این فرض زمانی قدرت می‌یابد که درمی‌یابیم نمونه شماره ۹، نامه‌ای است خطاب به سلطان محمد اکبر که اگرچه او هم شاهزاده‌ای گورکانی و سومین پسر اورنگ‌زیب است، ولی در زمان صدور این نامه به سبب شورش بر پدر به ایران پناهنده شده بود و به‌همین دلیل در دارالانشاء دربار صفوی دیگر شأنی معادل شاهزاده‌ای صاحب‌قدرت برای او قائل نبودند. از این‌رو، همان‌طور که از نام کاغذ استفاده‌شده برای او نیز برمی‌آید، از نوعی کاغذ ضخیم برای مکاتبه با او استفاده شده است که چندان مرغوب به‌شمار نمی‌رود.

۳.۲.۳. نوع خط

همان‌طور که در جدول ۷ نیز مشاهده می‌شود، اطلاعات چندانی درباره نوع خط مکتوبات بررسی شده از بیاض ۵۰۳۲ مجلس قابل استخراج نیست؛ ولی نکته قابل توجه درباره نامه شماره ۱۱ این است که با توجه به اندازه و کاغذ پیش‌از این چنین قضاوت شد که گیرنده نامه رتبه اجتماعی بالاتری از فرستنده ندارد. هم‌چنین به این واقعیت برمی‌خوریم که این نامه به خط شخص ارسال‌کننده نوشته شده است و همان‌طور که پیش‌از این نیز یاد شد، محمدرضا نصیری در رساله منشآت سلیمانی، ارسال نامه‌ای با دست خط فرستنده را دلیلی بر پایین‌تر بودن مرتبه اجتماعی گیرنده نسبت به فرستنده می‌داند.

پس اگرچه درباره نوع خط نمی‌توانیم قضاوت قابل اطمینانی بکنیم، ولی این نکته را که نامه را منشیان نوشته باشند یا خود شخص صادرکننده می‌توان به‌عنوان یکی از شاخصه‌های تعیین‌کننده رتبه اجتماعی گیرنده در مقایسه با رتبه اجتماعی فرستنده دانست.

شناسه نامه	نوع خط
۲	نستعلیق
۱۱	دست‌نویس به خط تحریری فرستنده

جدول ۷

نوع خط نامه‌ها



۳.۲.۴. تزینات و آرایه‌ها

همان‌طور که از جدول ۸ برمی‌آید، زمانی تزینات در آرایش نامه به کار رفته که شخص مورد خطاب از زمره شاهزادگان بوده است؛ از جمله نامه‌های ۱، ۲ و ۳ که همگی مستقیماً خطاب به سلطان محمد معظم و نامه شماره ۹ خطاب به سلطان محمد اکبر است. باین حال نامه شماره ۸ در این میان استثناء است؛ زیرا خطاب به سلطان محمد اکبر نوشته شده است ولی گزارشی درباره تزینات آن در دست نیست؛ ولی از آنجاکه نامه‌های شماره ۸ و ۹ باتوجه به متن بیاض هر دو حاصل نامه‌نگاری پیاپی هستند و درحقیقت نامه شماره ۹ جواب یکی از نامه‌های سلطان محمد اکبر است که بعد از ارسال نامه شماره ۸ در ماه شوال ۱۰۹۸ ق ارسال شده است، این امکان وجود دارد که نویسنده بیاض که دو یادداشت را در کنار هم ذکر کرده است، مشخصات هر دو نامه را در یک زمان در بیاض خود وارد کرده و از تکرار مشخصات مشابه هر دو نامه خودداری کرده است. با این توجیه می‌توان وجود تزیناتی از قبیل جدول، افشان‌طلا و تذهیب را از جمله عناصر معمول تزینات نامه‌هایی خطاب به افراد با رتبه اجتماعی بالا هم‌چون شاهزادگان دانست.

از طرفی نامه شماره ۲ که از طرف شاه سلیمان صفوی خطاب به سلطان محمد معظم شاهزاده گورکانی صادر شده است، با مهر پادشاه مهر شده است و مهر پادشاه نیز با گل سرخ تزین شده است. این نوع از تزین موضع مهر باتوجه به نمونه اسناد به‌جای مانده از دوره صفوی، صرفاً برای مهر پادشاه صفوی به کار رفته است و برای دیگر صاحب‌منصبان درباری به کار نرفته است (مشهدی رفیع، ۱۳۹۳، تابستان، ص ۱۱۷).

شناسه نامه	تزینات	
	آرایه‌ها	تزینات حاشیه مهر
۱	جدول دور متن، افشان طلا	
۲	جدول دور متن، افشان طلا، سرلوح مذهب و حاشیه مذهب	گل سرخ
۳	جدول دور متن، افشان طلا، حل کاری حاشیه متن	تذهیب
۹	جدول دور کاغذ، جدول دور متن، افشان طلا	-

۱. حل کاری: (dissolve): شیوه‌ای از تزین است که در آن نقوشی از قبیل گل‌ها و پرندگان را با زر محلول بر سطح کاغذ ایجاد کنند. در این حالت نقش‌ها را با خطوط ایجاد نمی‌کنند، بلکه آن‌ها را به صورت سطوحی از زر بر صفحه نقش می‌کنند. این شیوه بیشتر در تزین حاشیه صفحات نسخه‌ها کاربرد داشته است (قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳، ص ۷۱).

جدول ۸

تزینات اجرا شده در نامه‌ها



۳.۲.۵. نوع بسته‌بندی

از داده‌های جدول ۹ چنین برمی‌آید که کیسه برای بسته‌بندی نامه تنها برای شاهزادگان به کار رفته‌است. برای نمونه در نامه‌های شماره ۱، ۲ و ۳، برای خطاب به سلطان محمد معظم و در نامه‌های شماره ۸ و ۹ خطاب به سلطان اکبر برای بسته‌بندی نامه از کیسه استفاده شده‌است. درباره‌ی نمونه ۱۱ نیز اگرچه نام دقیق مخاطب نامه قابل استخراج نیست، ولی از عبارات به کار رفته در توصیف مشخصات نامه، این طور برمی‌آید که این نامه نیز خطاب به شاهزاده‌ای گورکانی صادر شده‌است و همانند نمونه‌های یادشده، در کیسه زرینت برای او ارسال شده‌است. این در حالی است که در سایر نمونه‌ها که مخاطب از کارگزاران شاهزادگان گورکانی است، گزارشی درباره‌ی نحوه بسته‌بندی اعم از کیسه یا لفافه دیده نمی‌شود. پس می‌توان این گونه نتیجه گرفت که ارسال نامه در کیسه و به‌ویژه در لفافه (به‌صورت نامه شماره ۲ که لفافه آن نیز کاغذ آهارمهره‌دار سفیدی است که احتمالاً مرغوب است) را می‌توان نشانه‌ای بر رتبه اجتماعی بالای شخص گیرنده و یا حتی تعلق او به خاندان سلطنتی دانست.

بسته‌بندی		شناسه نامه
کیسه	لفافه	
زرینت بندمنگوله‌دار	-	۱
چکن ^۱ و مفتول طلا دوخته در هم	کاغذ طغرای ضخیم آهارمهره کرده سفید	۲
زرینت طلا باف عمل کارخانه	-	۳
زرینت بوم‌نقره، عمل کارخانه، بند طلا گلابتون بافته	-	۸
(کیسه دارد ولی مشخصاتش ذکر نشده است)	-	۹
زرینت	کاغذ ساده اپلیسری	۱۱

۱. چکن: اچ / ک / ک / ک (ترکی، ا) نوعی از کشیده و زرکش‌دوزی و بخیه‌دوزی باشد (فرهنگ دهخدا، ذیل واژه).

جدول ۹

بسته‌بندی نامه‌ها

۴. نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که شواهدی قوی بر وجود رابطه مستقیم میان محتوای متنی و غیرمتنی مکاتبات دیوانی دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی و رتبه اجتماعی افراد فرستنده یا مخاطب این مکاتبات وجود دارد. این شواهد علاوه بر نمونه‌های موجود از مکاتبات دیوانی دوره مذکور، در متون ناظر بر آداب دبیری و انشاء این دوره نیز وجود دارند و به کمک آن‌ها می‌توان عناصر متنی متناظر با رتبه اجتماعی افراد مانند الگو و واژگان

مورد استفاده در متن نامه‌های دیوانی، به‌ویژه رکن مطلع این مکاتبات را استخراج کرد. این عناصر متنی عمدتاً اشاراتی به جایگاه و القاب شخص و هم‌چنین ترکیباتی متناظر با مرتبه، نسب خویشاوندی‌اش با پادشاه، و سن و جنسیت او را شامل می‌شوند و گاه اشاراتی غیرمستقیم به شغل و منصب او نیز دارند.

از طرفی عناصر غیرمتنی مانند قطع نامه، نوع کاغذ، نوع خط، تزیینات و نوع بسته‌بندی نیز از جمله مهم‌ترین عناصر بازنمایاننده رتبه اجتماعی افراد مرتبط با مکاتبات دیوانی اعم از فرستنده و گیرنده به‌شمار می‌آیند؛ به‌طوری‌که بزرگی قطع نامه، مرغوبیت جنس کاغذ، به‌کارنرفتن دست‌خط شخص فرستنده، وجود تزیینات و آرایه‌ها و بسته‌بندی در کیسه و لفافه نشان از بالابودن رتبه فرستنده و هم‌چنین میزان بذل توجه او به گیرنده دارد. از طرفی هرچه این عناصر به‌شکل تقلیل‌یافته‌تری ظاهر شوند، به‌طور مشابه می‌توان این‌طور قضاوت کرد که فرستنده به‌سبب ارجحیت رتبه خود بر گیرنده، اهمیت کمتری برای او مبذول داشته‌است.

بررسی کنونی ارائه‌شده در مقاله حاضر با توجه به اقتضات و شرایط تحقیق، در مقیاسی کوچک و تنها در زمینه مکاتبات دوره شاه‌سلیمان صفوی با اشخاص و رجال دربار گورکانیان هند، انجام شده‌است و برای دست‌یافتن به تصویری دقیق‌تر از رابطه نظام رتبه‌بندی درباری و محتوای متنی و غیرمتنی مکاتبات دیوانی، در پژوهش‌های آتی باید به جامعه آماری وسیع‌تر و هم‌چنین بررسی تطبیقی نمونه‌های به‌جای‌مانده از ادوار تاریخی با یکدیگر پرداخت. پژوهش حاضر از دید نگارنده آن طرحی آغازین در این زمینه به‌شمار می‌رود و امید است که این بررسی در پژوهش‌های آتی در حوزه‌ی سندشناسی دوره صفوی و سایر ادوار تاریخی ایران پیگیری شود.

منابع

نسخه خطی

کفایت‌الانشاء. از مؤلفی ناشناس، مخزن کتب خطی کتابخانه ملی ایران، شماره‌بازیابی ۱۸۰۷۸-۵.

کتاب

استرآبادی، سیدحسن بن مرتضی حسینی. (۱۳۳۶). *تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه صفی*. (احسان

اشراقی، مصحح). تهران: انتشارات علمی.

افشار، ایرج. (۱۳۹۰). *کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی*. تهران: میراث مکتوب.

افروشته‌ای نطنزی، محمودبن هدایت‌الله. (۱۳۷۳). *نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه*. (احسان



- اشراقی، مصحح). تهران: علمی و فرهنگی.
- تامین، ملوین ماروین. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی قشریندی و نابرابری‌های اجتماعی نظری و کاربردی*. (عبدالحسین نیک‌گهر، مترجم). تهران: توتیا.
- حائری، عبدالحسین. (۱۳۴۶). *فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مجلس شورای ملی*. تهران: کتاب‌خانه مجلس شورای ملی.
- ستوده، غلام‌رضا؛ مهرکی، ایرج؛ سلطانی، اکرم. (۱۳۸۵). *فرهنگ متوسط دهخدا*. (جعفر شهیدی، ناظر). تهران: دانشگاه تهران، موسسه لغت‌نامه دهخدا.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۸۳). *اسناد پادریان کرملی: بازمانده از عصر شاه عباس صفوی*. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- فلور، ویلم. (۱۳۸۷). *دیوان و قشون در عصر صفوی*. (کاظم فیروزمند، مترجم). تهران: آگه.
- قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. (۱۳۷۳). *فرهنگ واژگان خوش‌نویسی و هنرهای وابسته*. تهران: روزنه لغت‌نامه دهخدا.
- میرزاسمیعا. (۱۳۷۸). *تذکره الملوک: سازمان اداری حکومت صفوی*. (محمد دبیرسیاقتی، مصحح). تهران: امیرکبیر.
- نجیب کاشانی، نورالدین محمدشریف. (۱۳۹۴). *تاریخ کشیک‌خانه همايون*. (اصغر دادبه و مهدی صدری، مصححان؛ مهدی صدری، مقدمه‌نویس). تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- [نصیری، محمدرضا]. (۱۳۸۸). *منشآت سلیمانی*. (رسول جعفریان، مصحح). تهران: کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ویر، ماکس. (۱۳۸۷). *دین، قدرت، جامعه*. (احمد تدین، مترجم). تهران: هرمس.
- هاکس، جیمز. (۱۳۹۴). *قاموس کتاب مقدس*. تهران: اساطیر.
- هینس، والتر. (۱۳۸۸). *اوزان و مقیاس‌ها در فرهنگ اسلامی*. (غلام‌رضا وره‌رام، مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقاله

- افشار، ایرج. (۱۳۵۷). «بیاضی از مکاتیب عصر صفوی». *فرهنگ ایران‌زمین*، شماره ۲۳، صص ۱۷۹-۳۳۶.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۷). «بیاضی صفوی: آداب نامه‌نگاری پادشاهان صفوی به سران سرزمین‌های دیگر (قواره، اندازه، آرایه)». *نامه بهارستان*، سال هشتم و نهم، دفتر ۱۳ و ۱۴، صص ۲۳-۷۴.
- دانش‌پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۷ الف). «دستورالملوک میرزارفیعاً و تذکره الملوک میرزاسمیعا». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۶۳ و ۶۴، مرداد ۱۳۴۷، صص ۴۷۵-۵۰۴.



دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۷ ب). «دستورالملوک میرزارفیع». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۴۷، سال شانزدهم، شماره سوم، صص ۲۹۸-۳۲۲.

رحیم‌لو، یوسف. (۱۳۶۳). «منبعی تازه‌یاب در سازمان اداری حکومت صفوی». زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز)، شماره ۱۳۳، صص ۷-۱۸.

ستوده، منوچهر. (۱۳۸۱). «فهرست مراسلات و مکاتبات شاه‌عباس صفوی با پادریان و سلاطین فرنگ». *ایران‌شناسی*، شماره ۵۵، پاییز، صص ۵۶۰-۵۷۵.

سیوری، راجر. (۱۳۹۳). «نظام اداری صفوی». چاپ‌شده در کتاب: *تاریخ ایران کمبریج* (ج ۶). (لارنس لاکهارت و پیتر جکسون، ناظران؛ حاتم قادری، مترجم). تهران: مهتاب. صص ۲۱۱-۲۳۶.

فلور، ویلم. (۱۳۸۴). «میرزارفیع‌ای جابری انصاری». چاپ‌شده در کتاب: *پژوهش‌های ایران‌شناسی (نامواره دکتر محمود افشار) جلد ۱۶: ستوده‌نامه (۲)*. (ایرج افشار، ناظر). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار. صص ۷۶۴-۷۶۹.

فلور، ویلم؛ جوادی، حسن. (۱۳۹۰). «درباره مؤلف منشآت سلیمانی». *نامه بهارستان*، سال دوازدهم، دفتر ۱۸ و ۱۹، بهار و تابستان، صص ۴۵۳-۴۵۴.

مستوفی، محمداطهر. (۱۳۴۸). «صورت کتب و نفائس گنجینه شیخ‌صافی‌الدین اردبیلی». (میرودود سیدیونسی، مصحح). *نشریه کتاب‌خانه ملی تبریز*، شماره ۱۶، صص ۱-۹۴.

مشهدی رفیع، علی. (تابستان ۱۳۹۳). «آرایه‌های فرامین سلطنتی دوره صفویه ۹۰۷-۱۱۴۸ ق». *نامه بهارستان*، دوره جدید، شماره چهارم، صص ۱۱۲-۱۲۱.

پایان‌نامه

مشهدی رفیع، علی. (۱۳۹۲). «بررسی انتقادی کتاب‌های آموزشی دبیری و انشاء دوره صفوی و کاربرد داده‌های آن در پژوهش‌های سندشناسی». (پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد)، دانشگاه شهید بهشتی و بنیاد ایران‌شناسی.

مشهدی رفیع، علی. (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی مجالس درباری دولت‌های صفوی، عثمانی و گورکانیان هند (سده‌های ۱۰-۱۲ هجری قمری)». (پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری تخصصی)، دانشگاه شهید بهشتی و بنیاد ایران‌شناسی.

منابع لاتین

Barnard, Alan; Spencer, Jonathan. (1996). *Encyclopedia of Social and Cultural Anthropology*. London: Routledge.

Savory, Rajer Mervin. (1986). "The Safavid Administrative System". In P. Jackson, & L.



Lockhart, *The Cambridge History of Iran*, Vol. 6. Cambridge: Cambridge University Press. pp 351-372.

English Translation of References

Manuscripts

“*Kefāyat-ol-enšā*” (Sufficiency of composition). From an unknown author, manuscripts repository of Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (National Library of Iran), retrieval number 18078-5. [Persian]

Books

Afshar, Iraj. (1390/2011). “*Kāqaz dar zendegi va farhang-e Irāni*” (Paper in Iranian life and culture). Tehran: Markaz-e Pažuheši-ye Mirās-e Maktub (Written Heritage Center of Islam & Iran). [Persian]

Afoushtei Natanzi, Nahmoud Ibn Hedayatollah. (1373/1994). “*Neqāvot-ol-āsār fi zekr-el-axyār dar tārix-e Safaviyeh*” (The purity of the works in mentioning the good in Safavid history). Edited by Ehsan Eshraghi. Tehran: ‘Elmi va Farhangi. [Persian]

Astarabadi, Seyyed Hasan Ibn Morteza Hosseini. (1366/1987). “*Tārix-e soltāni az Šeikh Safi tā Šāh Safi*” (Sultan history from Sheikh Safi to Shah Safi). Edited by Ehsan Eshraghi. Tehran: Enteshārāt-e ‘Elmi. [Persian]

Barnard, Alan; Spencer, Jonathan. (1996). *Encyclopedia of social and cultural anthropology*. London: Routledge.

Floor, Willem. (1387/2008). “*Divān va qošun dar ‘asr-e Safavi*” (Safavid government Institutions). Translated by Kazem Firouzmand. Tehran: Āgah. [Persian]

Ghaem Maghami, Jahangir. (1350/1971). “*Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e tārixī*” (Recognition of historical documents). Tehran: Anjomanē Āsār-e Melli (Society for the Appreciation of Cultural Works and Dignitaries). [Persian]

Ghelichkhani, Hamidreza. (1373/1994). “*Farhang-e vāžegān-e xoš-nevisi va honarhā-ye vābasteh*” (A dictionary of calligraphy and the related arts). Tehran: Rowzaneh. [Persian]



- Haeri, Abdolhossein. (1346/1967). *“Fehrest-e nosxe-hā-ye xatti-ye ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Melli”* (List of manuscripts of the library of Iran Parliament). Tehran: Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Melli (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Hawkes, James. (1394/2015). *“Qāmus-e ketāb-e moqaddas”* (Bible dictionary). Tehran: Asātir. [Persian]
- Hinz, Walther. (1388/2009). *“Owzān va meqyās-hā dar farhang-e Eslāmi”* (Islamische Masse und Gewichte; Umgerechnet ins metrische System) [Islamic Measures and Weights; Converted to the metric system Islamic measures and weights; Converted to the metric system]. Translated by Gholamreza Varahram. Tehran: Pažuhešgāh-e ‘Olum-e Ensāni va Motāle‘āt-e Farhangi (Institute for Humanities and Cultural Studies). [Persian]
- “Loqat-nāme-ye Dehxodā”* (Dehkhoda dictionary). [Persian]
- Mirzasamiaa. (1378/1999). *“Tazkerat-ol-moluk: Sāzmān-e edāri-ye hokumat-e Saffavi”* (Administrative organization of the Safavid government). Edited by Mohammad Dabirsiaghi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Najib Kashani, Nour Al-Din Mohammad Sharif. (1394/2015). *“Tārix-e kešik-xāne-ye Homāyun”* (The history of majesty’s guard house). Edited by Asghar Dadbah & Mehdi Sadri. Introduction by Mehdi Sadri. Tehran: Markaz-e Pažuheši-ye Mirās-e Maktub (The Written Heritage Research Institute). [Persian]
- [Nasiri, Mohammadreza.] (1388/2009). *“Monša’āt-e Soleimāni”* (Soleimani compositions). Edited by Rasoul Jafarian. Tehran: Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Sotoudeh, Gholamreza; Mehraki, Iraj; & Soltani, Akram. (1385/2016). *“Farhang-e motevasset-e Dehxodā”* (Dehkhoda medium-sized lexicon). Supervised by Jaafar Shahidi. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran), Mo’assese-ye Loqat-nāme-ye Dehxodā (Dehkhoda Lexicon Institute and International Center for Persian Studies). [Persian]
- Sotoudeh, Manouchehr. (1383/2004). *“Asnād-e Pādoriyān Karmeli: Bāzmāndeh az*



‘asr-e Šāh Abbās Safavi’ (Remained documents of Carmilite padres since Shah Abbas Safavi era). Tehran: Markaz-e Pažuheši-ye Mirās-e Maktub (The Written Heritage Research Institute). [Persian]

Tumin, Melvin Marvin. (1373/1994). *“Jāme’e-šenāsi-ye qešr-bandī va nābarābarī-hā-ye ejtemā’ee-ye nazari va kārbordī”* (Social stratification: The forms and functions of inequality). Translated by Abdolhossein Nikgozar. Tehran: Tutiyā. [Persian]

Weber, Max. (1387/2008). *“Din, qodrat va jāme’e”* (Essays in sociology). Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Asātir. [Persian]

Articles

Afshar, Iraj. (1357/1978). “Bayāzi az makātib-e ‘asr-e Safavi” (Lacunas in manuscripts from Safavid era). *Farhang-e Irān-Zamin*, 23, pp. 179 – 336. [Persian]

Afshar, Iraj. (1387/2008). “Bayāzi Safavi: Ādāb-e name-negāri-ye pādešāhān-e Safavi be saran-e sarzamin-hā-ye digar (qavāreh, andāzeh, ārāyeh)” (Safavid kings’ etiquette of letter-writing while writing to the heads of other lands (Configuration, Size, literary devices)). *Nāme-ye Bahārestān*, 8 & 9(13 & 14), pp. 23 – 74. [Persian]

Daneshpajouh, Mohammad Taghi. (1347/1968a). “Dastur-ol-moluk-e Mirza Rfi’ā va Tazkerat-ol-moluk-e Mirza Sami’ā” (Dastour Al-Molouk by Mirza Rafiaa and Tazkert Al-Molouk by Mirza Samiaa). *Majalle-ye Dāneškade-ye Adabiyāt va ‘Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-e Tehrān* (Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran), 63 & 64, Mordād/August 1347/1968, pp. 475 – 504. [Persian]

Daneshpajouh, Mohammad Taghi. (1347/1969b). “Dastur-ol-moluk-e Mirza Rfi’ā” (Dastour Al-Molouk by Mirza Rafiaa). *Majalle-ye Dāneškade-ye Adabiyāt va ‘Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-e Tehrān* (Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran), 63 & 64, Bahman/February 1347/1969, pp. 298 – 322. [Persian]

Flore, Willem. (1384/2005). “Mirzā Rafi’ā-ye Jāberi-ye Ansāri” (Mirza Rfiāi Jaberi



- Ansari". In Iraj Afshar (Supervisor), *"Pažuheš-hā-ye Irān-šenāsi: Nāmvāre-ye Doktor Mahmud-e Afšār"* (Iranology Researches: In honor of Dr. Mahmoud Afshar) (vol. 16: "Sotudeh-nāmeḥ (2)" (Eulogy (2)) (pp. 764-769.). Tehran: Tehran: Bonyād-e Mowqafāt-e Doktor Mahmud Afšār (Foundation of Doctor Mahmoud Afshar Yazdi's Endowments). [Persian]
- Flore, Willem; & Javadi, Hassan. (1390/2011). "Darbāre-ye mo'allem-e monša'āt-e Soleimāni" (About the author of Soleimani's compositions). *Nāme-ye Bahārestān*, 12(18 & 19), Spring and Summer, pp. 453-454. [Persian]
- Mostowfi, Mohammad Taher. (1348/1969). "Surat-e kotob va nafāes-e ganjine-ye Šeḫ Safi-ed-Din-e Ardebili" (The list of the books and exquisite works in the treasure of Sheikh Safiuddin Ardabili). Edited by Mirvadoud Seyyed Younesi. *Našriye-ye Ketābxāne-ye Melli-ye Tabriz*, 16, pp. 1 – 94. [Persian]
- Mashhadi Rafi, Ali. (Summer 1393/2014). "Ārāye-hā-ye farāmin-e saltanati-ye dowre-ye Safaviyeh 907 – 1148 AH" (Instances of figurative language in the royal decrees of the Safavid period 907-1148 AH / 1501 – 1735). *Nāme-ye Bahārestān*, New volume, 4th issue, pp. 112-121. [Persian]
- Rahimlou, Yousof. (1363/1984). "Manba'i tāze-yāb dar sāzmān-e edāri-ye hokumat-e Safavi" (A new source in the administrative organization of the Safavid government). *Zabān va Adab-e Fārsi (Previously the Journal of Dāneškade-ye Adabiyāt va 'Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-e Tabriz)* (Journal of Persian Language and Literature (Former Journal of the Faculty of Literature of the University of Tabriz)), 133, pp. 7 – 18. [Persian]
- Sotoudeh, Manouchehr. (1381/2002). "Fehrest-e morāselāt va mokātebāt-e Šāh 'Abbās Safavi bā Pādoriyān va salātin-e faranf" (List of correspondences of Shah Abbas Safavi with European padres and sultans). *Irān-šenāsi*, 55, Fall, pp. 560 – 575. [Persian]
- Savory, Roger. (1393/2014). "Nezām-e edāri-ye Safavi" (The Safavid Administrative System). In Lawrence Lockhart & Peter Jackson (Supervisors), *"Tārix-e Irān Kambrij"* (The Cambridge History of Iran). Translated by Hatam Ghaderi. Tehran: Mahtāb. [Persian]



Savory, Rajer Mervin. (1986). "The Safavid administrative system". In P. Jackson, & L. Lockhart, *The Cambridge History of Iran*, Vol. 6. Cambridge: Cambridge University Press. pp 351-372.

Dissertations

Mashhadi Rafi, Ali. (1392/2013). "*Barresi-ye enteqādi-ye ketāb-hā-ye āmuzeši-ye dabiri va enšā'-e dowre-ye Safavi va kārbord-e dāde-hā-ye ān dar pažuheš-hā-ye sanad-šenāsi*" (Critical examination of the Safavid era's writing and writing training books and its data application in documentary research). [Master's thesis]. Dānešgāh-e Šahid Behešti (Shahid Beheshti University), and Bonyād-e Irān-šenāsi (Iranology Foundation). [Persian]

Mashhadi Rafi, Ali. (1399/2020). "*Barresi-ye tatbiqi-ye majāles-e darbari-ye dowlat-hā-ye Safavi, Osmāni, va Gorkāniyān-e Hend (Sade-hā-ye 10 – 12 AH)*" (Comparative study of the court councils of the Safavid, Ottoman and Gurkan governments of India (10th -12th centuries AH/15th – 17th centuries AD). [Doctoral dissertation]. Dānešgāh-e Šahid Behešti (Shahid Beheshti University), and Bonyād-e Irān-šenāsi (Iranology Foundation). [Persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی